

لودویگ ویتگنشتاین

دربارهٔ اخلاق و دین



تدوین و ترجمهٔ

مالک حسینی، بابک عباسی

فهرست

پیشگفتار
سخنرانی دربارهٔ اخلاق / ترجمهٔ مالک حسینی
گزیده‌هایی از لودویگ ویتگنشتاین و حلقهٔ وین / ترجمهٔ مالک حسینی
دربارهٔ هایدگر
دربارهٔ اخلاق‌شناسی اشلیک
ارزش
دین
باید
گزیده‌هایی از نکته‌های گوناگون (فوهنگ و ارزش) / ترجمهٔ مالک حسینی
درس‌گفتارهایی دربارهٔ باور دینی / ترجمهٔ بابک عباسی

پیشگفتار

تلقى لودویگ ویتگنشتاین (۱۸۸۹-۱۹۵۱) از اخلاق و اندیشه‌های او دربارهٔ دین و باور دینی با یکدیگر پیوند بسیار نزدیکی دارند و در بسیاری از آثار ویتگنشتاین پژوهان نیز به آنها در کنار هم پرداخته شده است؛ ما نیز بجا دیدیم که ترجمهٔ فارسی سخنان ویتگنشتاین دربارهٔ این موضوعات را در کنار هم منتشر کنیم تا زمینهٔ لازم برای تأمل علاقه‌مندان فارسی‌زبان در این باب فراهم شود. در مجموعهٔ کم‌حجم حاضر ترجمهٔ متون اصلی مورد رجوع ویتگنشتاین پژوهان در بحث از اخلاق و باور دینی / دین منتشر می‌شود؛ در «مقدمهٔ مترجم» هر بخش توضیحات لازم دربارهٔ این متون آمده است. ما مدعی نیستیم که همهٔ سخنان ویتگنشتاین دربارهٔ این دو موضوع مهم را گردآورده‌ایم، ولی کوشیده‌ایم مطلب مهمی را از قلم نیندازیم و گمان می‌کنیم تأمل در همین مجموعه درک درستی از موضع ویتگنشتاین در پی خواهد داشت؛ دست‌کم امیدواریم که چنین باشد.

هومن پناهنده بخش پایانی کتاب و محمد منصور هاشمی کل کتاب را خواندند و با پیشنهادهای ارزنده و اصلاحات لازم از عیبهای آن کاستند؛ از آنان بسیار سپاسگزاریم.

مالک حسینی، بابک عباسی

اسفند ۱۳۸۷

مقدمه مترجم

لودویگ ویتگنشتاین در هفدهم نوامبر ۱۹۲۹، اولین سال بازگشت به کیمبریج و آغاز دوباره فلسفه پس از ده‌سالی کناره‌گیری، به دعوت آگدن^۱ اولین مترجم رساله منطقی-فلسفی (تراکتاتوس) به انگلیسی، در انجمن بدعت‌گذاران^۲ سخنرانی‌ای درباره «اخلاق» ایراد کرد که برای اولین بار چهارده سال پس از مرگش انتشار یافت،^۳ مورد توجه فراوان واقع شد، و اکنون نیز نزد ویتگنشتاین‌پژوهان از اهمیت خاصی برخوردار است. اعضای انجمن بدعت‌گذاران عموماً نه اهل فلسفه، که اهل علوم طبیعی بودند و پیش از ویتگنشتاین مشاهیری چون ولز^۴، برتراند راسل و ویرجینیا ولف در جمعشان سخن گفته بودند. سخنرانی ویتگنشتاین نیز، از جهتی، کاملاً غیرتخصصی است و به بحثی «فنی» در فلسفه اخلاق نمی‌پردازد؛ این سخنرانی چندان دشوارفهم نیست.

«سخنرانی درباره اخلاق» به آغاز دوره گذار ویتگنشتاین از تفکر مستقیم به تفکر متأخرش برمی‌گردد و طبیعی است که عناصری «تراکتاتوسی» در آن باشد. در این سخنرانی برخی از نکته‌های تراکتاتوس و روزنگاشت‌های دوره متقدم ویتگنشتاین روشن می‌شود و بویژه نظر او درباره «ناگفتنی‌ها» بسط می‌یابد و خوب نشان داده می‌شود که برداشت پوزیتیویستی از تراکتاتوس چه سوء تفاهم بزرگی

1. C. K. Ogden 2. The Heretics Society

3. *Philosophical Review* 74, 1965; p. 3-12. 4. H. G. Wells

سخنرانی دربارهٔ اخلاق

پیش از آنکه سخن گفتن دربارهٔ خود موضوعم را آغاز می‌خواهم چند نکتهٔ مقدماتی را بیان کنم. احساس می‌کنم افکارم به شما مشکلات بزرگی خواهد داشت و گاهی برخی‌شان را با ذکر پیشاپیش آنها برای شما، می‌توان ساخت. مشکل اول، که تقریباً نیازی به ذکرش نیست، انگلیسی زبان مادری من نیست و بنابراین بیان من فاقد موشکافی است که در سخن گفتن از موضوعی دشوار است. تنها کاری که می‌توانم بکنم این است که از شما سعی در فهمیدن مراد من، به رغم خطاهایی که پیاپی در انگلیسی مرتکب خواهم شد، کار مرا آسانتر کنید. دومین می‌خواهم ذکر کنم این است که احتمالاً بسیاری از شما نه چندان درست به سخنرانی من آمده‌اید. برای رفع چند کلامی می‌گویم دربارهٔ دلیل انتخاب موضوعی که وقتی دبیر سابقتان با تقاضا برای قرائت مقاله‌ای در آن مفتخرم ساخت، اولین اندیشه‌ام این بود که حتماً این کار کرد و دومین اندیشه‌ام این بود که اگر بناست فرصت به شما را داشته باشم، باید دربارهٔ چیزی سخن بگویم که آن را با شما در میان بگذارم و نباید با ایراد سخنرانی

یادداشت برای ترجمه فارسی

کتاب پیش رو، که در اصل رساله دکتری بوده، ابتدا به زبان آلمانی منتشر شده است؛^۱ خوشحالم که اکنون ترجمه فارسی آن هم به چاپ می‌رسد. در برگرداندن کتاب به فارسی تنها خطاهای جزئی و غلط‌های چاپی را اصلاح کرده‌ام، از هرگونه دخل و تصرف صوری و محتوایی پرهیز کرده‌ام و بر وسوسه شرح و بسط بخش‌هایی از کتاب – به تناسب مخاطب فارسی‌زبان – غالب آمده‌ام تا هم انتشار تحریر فارسی به تأخیر زیاد نیفتد هم اثری متفاوت با اصل به خواننده فارسی‌زبان تحویل نداده باشم.

دکتر میرشمس‌الدین ادیب‌سلطانی اصل آلمانی کتاب را خواندند و با نقد و نظرهای دلگرم‌کننده مرا ترغیب به انتشار ترجمه فارسی کردند؛ از ایشان سپاسگزارم. ترجمه فارسی را دکتر فاطمه مینایی به خواهش من ویرایش کرد؛ از او بسیار سپاسگزارم.

همراهی و پشتیبانی همسرم پروانه عروج‌نیا در زمان نوشتن این کتاب فراموشم نشده است؛ ترجمه فارسی را نیز، همچون اصل آلمانی، به او تقدیم می‌کنم.

مالک حسینی

فروردین ۱۳۸۸

در چاپ‌های سوم و چهارم ترجمه فارسی تغییرات و اصلاحات زبانی نسبتاً فراوانی اعمال شده و غلط‌های چاپی رفع شده است.

مالک حسینی

بهمن ۱۴۰۱

1. Malek Hosseini. *Wittgenstein und Weisheit*, Kohlhammer, Stuttgart, 2007.

پیشگفتار

نخستین آشنایی من با ویتگنشتاین از طریق رسالهٔ منطقی - فلسفی بود وقتی در دانشگاه تهران دانشجوی فلسفه بودم؛ البته چیز کمی از آن فهمیدم، ولی حیرتم را هرگز نتوانستم فراموش کنم: چه حکیمانه است این کتاب کوچک «منطقی».

با دیگر آثار ویتگنشتاین بعداً مواجه شدم - وقتی خواستم رسالهٔ کارشناسی ارشدم را دربارهٔ کتاب در باب یقین او بنویسم و آن را به فارسی برگردانم. این کتاب را هم «حکمت‌آمیز» یافتم و برایم این پرسش پیش آمد که آیا فقط یک اتفاق است که در مواجهه با ابتدا و انتهای آثار متفکری احساس مشابهی داشته باشی؟ خوشحالم که فرصت یافته‌ام به این پرسش بپردازم و امیدوارم که تلاش من برای دیگران هم سودمند باشد، ولو اینکه با نتایج و لوازم آن موافق نباشند. در مورد تفسیر ویتگنشتاین بعید است کسی بتواند با اطمینان ادعا کند که در همه جا راه درست را رفته است. پس من هم آرزو می‌کنم که بیراهه نرفته باشم و کارم با روح آثار ویتگنشتاین سازگار باشد.

در تحقق اثر حاضر به ویژه سپاسگزار و یلهم فُسنکول هستم نه فقط برای حمایت ارزشمندش در مقام استاد راهنمای رسالهٔ دکتری‌ام، بلکه برای محبت و خیرخواهی همیشگی اش. از آکسیل ماتیس سپاسگزارم برای گفتگوهای زیبا دربارهٔ حکمت، و از فلیکس موله‌لثسیر برای نکته‌های

توضیحات روشی و اختصارات کتاب‌شناختی

تحقیق حاضر عمدتاً مبتنی است بر آثار چاپی ویتگنشتاین؛ به این ترتیب تا حد زیادی بر «مجموعه آثار» (Suhrkamp Werkausgabe). با این حال، از نسخه الکترونیک میراث نیز، به ویژه در فصل یک – به اقتضای موضوع آن – غفلت نشده است. به استثنای مواردی اندک که بی جهت نبوده است، به مطالب چاپ‌شده ویتگنشتاین ارجاع داده‌ام، نه به میراث، مگر آنکه از شکل چاپی آن مطلب بی‌خبر بوده باشم. پس کار بر اساس آثار چاپ‌شده ویتگنشتاین پدید آمده است، ولی تا آنجا که ممکن بوده با توجه به میراث تکمیل شده است؛ از این رو، برای آن افرادی که «کتاب‌های» ویتگنشتاین را برای پژوهش آکادمیک ناکافی می‌دانند ممکن است کار پیش رو ناقص به نظر برسد.

از حیث روش، کار پیش رو مبتنی است بر «تفسیر متن با متن»؛ از همین روست که نقل قول‌های بسیاری در آن آمده است. شیوه‌ای که من طبق آن نکته‌های ویتگنشتاین را کنار هم می‌آورم و از کلیت آن‌ها می‌کوشم فهم خود را از تفکر و زندگی او موجه کنم نتیجه کار است؛ یعنی فهمی از ویتگنشتاین، تفسیر من از تمامیت آن و نه مثلاً حرف‌های تازه پراکنده یا معنایی که از برخی نکته‌ها می‌فهمم. پس همه آثار ویتگنشتاین یک کل تلقی شده است؛ موضوع پژوهش چنین تلقی‌ای را روا می‌دارد. (در این مناقشه نمی‌کنم که ویتگنشتاین دو فلسفه پدید آورده یا دو – و در این صورت چرا نه سه یا حتی چهار؟ – دوره فکری داشته است؛ ولی من یک